جمال شورجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | پرویز شیخ طادی (فیلمساز) | داود میرباقری (فیلمساز) | مرتضی شعبانی (مستندساز) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز) | فرج‌الله سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان (پویانما) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | نادر طالب‌زاده (کارگردان)

واکاوی تاریخ سینمای پس از انقلاب

حکایت سینما توگراف ۲

پنجمین جشنواره فیلم فجر و چراغ سبز برای جشنواره‌های خارجی

سعید مستغاثی
بخش شانزدهم

نپذیرفتن فیلم‌های جنگ و دفاع مقدس و انقلابی در جشنواره چهارم فیلم فجر و سرازیر کردن بدون تعارف همه جوایز به فیلم‌های بی‌ربط و خنثی و حتی مغایر با اهداف و آرمان‌های فجر انقلاب اسلامی، زمینه‌ای شد برای حضور فیلمسازان قبل از انقلاب در جشنواره فیلم فجر که تا آن دوره رسمیت چندانی نداشت و تقریبا به قول معروف به صورت چراغ خاموش پیش می‌رفت. طرحی که سال‌ها زمینه‌چینی شد؛ در جشنواره چهارم خشت‌های اولش را نهادند و سرانجام در پنجمین جشنواره فیلم فجر تحقق یافت.

در پنجمین جشنواره فیلم فجر آنچنان حضور فیلمسازان پیش از انقلاب، چشمگیر بود که حتی صدای ماهنامه فیلم (به عنوان نزدیک‌ترین رسانه و حتی به گفته برخی‌ها، خط‌دهنده به مدیران سینمایی) را نیز درآورد. ماهنامه فیلم در ویژه‌نامه خود برای پنجمین جشنواره فیلم فجر از محمد بهشتی به عنوان دبیر جشنواره پرسید:

«... امسال در جمع فیلمسازان شرکت‌کننده در جشنواره چند اسم مشخص هم از فیلمسازان صاحب‌نام قبل از انقلاب وجود دارند، پارسال گفته شد که فیلم‌های اینها در بخش مسابقه شرکت داده نخواهند شد. آیا امسال هم اصرار هست که این فیلم‌ها خارج از بخش مسابقه باشند؟...»

بهشتی پاسخ می‌دهد:

«... پارسال چنین بود، ولی امسال قرار نیست این‌طور باشد. در مسابقه هم می‌توانند شرکت کنند، فرقی نمی‌کند که فیلمساز صاحب نام قدیمی باشد یا فیلمساز گمنام جدید. داوران بهترین فیلم‌های تولید شده را انتخاب می‌کنند، فارغ از این که قبلا آن فیلمساز چه فیلمی ساخته و یا احتمالا چه فیلمی در آینده خواهد ساخت...»

فیلم‌هایی که دیروز بن‌بست بودند و امروز...

بهشتی در حالی حضور فیلمسازان قبل از انقلاب در جشنواره فیلم فجر را اعلام کرد که حتی خود به همان سینمای به اصطلاح اعتراضی آنها که در توجیه حضورشان برای سینمای بعد از انقلاب، دلیل آورده می‌شد هم معتقد نبود و به فعالیت آنها علیه رژیم شاه که مطرح می‌شد، باور نداشت. او در همان گفت‌وگو با ویژه‌نامه ماهنامه فیلم برای پنجمین جشنواره فیلم فجر اظهار کرد:

«... فضای روشنفکری آن زمان بن‌بست بود. عملا یک موضوع طرح بن‌بست در مناسبات اجتماعی و هر زمینه‌ای که مربوط به جامعه شود، پیام اصلی فیلمساز روشنفکر ماست... همه اینها ملهم از یک جریان فکری هستند. جریانی که بعد ازانقلاب بطلانش ثابت شد. نمی‌تواند منت بگذارد که من به حرکت انقلاب کمک کردم. به خاطر اینکه او در فیلم‌هایش یک بن‌بست را مطرح می‌کند و این جز این که مخاطبش را به بن‌بست بکشاند، هیچ کار دیگری نمی‌کند. پیام فیلمساز به مخاطبش این است؛ مسئله به مراتب بزرگ‌تر از توست، تو به مراتب حقیرتر از این مشکل هستی و نمی‌توانی آن را حل کنی... به این خاطر، موضوع‌هایی که فیلمساز نگاه می‌کرد، غریب بود. شخصیت‌ها غریبه‌اند. مضامین غریبه‌اند. به‌تدریج می‌بینیم خیلی از مسائلی که در این مملکت اتفاق می‌افتاد، راهی به کارهای دراماتیک و سینمای ما نداشت...»

از میان ۷۰-۸۰ فیلم تولیدی در سال ۱۳۶۵، تنها ۸ فیلم (حدود ۱۰ درصد) درباره دفاع و جنگ و جبهه‌ها یعنی اولویت مسائل کشور، تولید گردید و بقیه فیلم‌ها هرکدام سازی دیگر می‌نواختند. فیلم‌هایی مانند:

«تاخدا خورشید» (ناصر تقوایی)، «خانه دوست کجاست» (عباس کیارستمی)، «طلسم» (داریوش فرهنگ)، «دستفروش» (محسن مخملباف) و اجاره نشین‌ها (داریوش مهرجویی).

فیلم‌هایی که اغلب ساخته و تولید فیلمسازان قبل از انقلاب بودند. در واقع پنجمین جشنواره فیلم فجر، اولین دوره این جشنواره بود که در آن، حضور سینماگران قبل از انقلاب که تا دوره‌های پیشین تابو محسوب می‌شد، رسمیت یافت و این فیلمسازان به طور علنی در مهم‌ترین جشنواره انقلاب و نظام اسلامی شرکت کرده و جوایز متعددی هم گرفتند!

جشنواره فیلم فجر پنج بسیار دور از عملیات کربلای پنج

در شرایطی که جبهه‌های دفاع مقدس در میانه یکی از عظیم‌ترین و گسترده‌ترین عملیات طول تاریخ جنگ تحمیلی قرار داشت، عملیاتی که سرانجام حامیان پشت پرده صدام یعنی آمریکا و کشورهای عربی و اروپایی را به میدان آورد، اما فیلم‌های جشنواره پنجم فیلم فجر چنان بودند که گویی هیچ اتفاقی در کشور و برای سرزمین ایران نیفتاده و یا در شرف وقوع نیست. هیچ نشانی از ایران انقلابی و درد و رنج‌ها و مبارزات و مقاومت‌های مردمش در آن نبود. این فیلم‌ها مردم را به جایی دیگر حوالت می‌دادند، جایی که در اوج مقابله با دردهای اصلی، مردم را به بازی و شوخی با دردهای بسیار جزئی و خفیف ناشی از همان درد اصلی می‌کشانید.

و همین فیلم‌ها در جشنواره پنجم، تقریبا اغلب جوایز اصلی را به خود اختصاص دادند؛

«خانه دوست کجاست؟» عباس کیارستمی ۳ جایزه بهترین کارگردانی و بهترین صدابرداری و جایزه ویژه هیئت داوران را دریافت نمود، «تاخدا خورشید» ناصر تقوایی علاوه‌بر نامزدی در۶ رشته از ۹رشته اهدای جوایز، دو جایزه بهترین بازیگری نقش اول و دوم مرد را گرفت، «اجاره‌نشین‌ها» از داریوش مهرجویی در ۷ رشته کاندیدای دریافت جایزه بود و «شیر سنگی» مسعود جعفری‌جوزانی در حالی که نامزد دریافت ۸ جایزه بود، لوح زرین بهترین فیلمنامه و صداگذاری را دریافت نمود.

در این میان سهم سینمای انقلاب و دفاع مقدس تنها یک فیلم «پرواز در شب» ساخته مرحوم رسول ملاقلی‌پور بود که ناگزیر لوح زرین بهترین فیلم را به آن دادند. کلمه «ناگزیر» را از این روی به کار بردم، زیرا برخلاف قواعد سینمایی و جشنواره‌ای که معمولا برنده جایزه بهترین فیلم، می‌بایست در رشته‌های کارگردانی و فیلمنامه حداقل در حد نامزدی حضور داشته باشد، اما فیلم «پرواز در شب» نه تنها در هیچ‌کدام از شاخه‌های کارگردانی و فیلمنامه حتی نامزد دریافت جایزه هم نبود، در رشته‌های فنی اصلی مثل فیلمبرداری و تدوین نیز کاندیدای دریافت جایزه نشد. حتی در هیچیک از شاخه‌های بازیگری نیز این فیلم با وجود گروهی از بازیگران توانا همچون تاجبخش فناییان، جعفر دهقان، مرحوم فرج‌الله سلحشور، علی یعقوب‌زاده و... نامزد دریافت جایزه نگردید!

جایزه‌ای از سر رفع تکلیف

از طرف دیگر معمولا در جشنواره‌ها، جایزه بهترین فیلم به سیاست‌های رسمی جشنواره تعلق دارد. از همین روی جایزه بهترین فیلم جشنواره پنجم فیلم فجر، ناگزیر به فیلم «پرواز در شب» اعطا شد که ظاهرا در جهت سیاست رسمی دولت مبنی بر حمایت از جنگ و دفاع مقدس بود! و براساس سنت جشنواره‌ها که در واقع جایزه اصلی فیلم برتر به نام جایزه ویژه هیئت داوران اهدا می‌شود، این جایزه در جشنواره پنجم فیلم فجر به همراه لوح زرین بهترین کارگردانی به فیلم «خانه دوست کجاست» اهدا شد.

به دنبال این تحرکات شبه روشنفکرانه مدیران سینمایی در پنجمین جشنواره فیلم فجر بود که اربابان جشنواره‌های خارجی نیز عملکرد ضد فجر این مدیران را پاسخ داده و فیلم‌های برگزیده جشنواره پنجم مانند «خانه دوست کجاست؟»، «تاخدا خورشید»، «شیر سنگی» و «اجاره‌نشین‌ها» در جشنواره‌های غربی به توفیقات و جوایز متعددی دست یافتند.

«خانه دوست کجاست» و «تاخدا خورشید» در یکی از نخستین توفیقات جشنواره‌ای، در دو سال پیاپی پلنگ برنزی جشنواره لوکارنو (جشنواره‌ای که امروز به عنوان یکی از دشمنان و تحریم‌گران سینمای ایران درآمده) را دریافت کردند.

همان سینمای جشنواره‌ای که به تدریج مانند خوره، روح سینمای با هویت ایرانی را بلعید و به عنوان یکی از مهم‌ترین آسیب‌های سینمای پس از انقلاب، این سینما را به سمت و سویی برد که هیچ نشانی از دغدغه‌ها و باورها و اندیشه‌های مردم ایران نداشت و بیش از آن ضمن مذمت سبک زندگی و فرهنگ ایرانی و اسلامی، به ترویج و تبلیغ فرهنگ اروپایی و آمریکایی می‌پرداخت تا به مذاق مدیران جشنواره‌های خارجی خوش بیاید و جایزکی کف دست این گروه از فیلمسازان بگذارند.

هیئت داوران بخش مسابقه جشنواره به جز محمد بهشتی (دبیر جشنواره، مدیر بنیاد سینمایی فارابی و از مدیران سینمایی)، منوچهر عسکری‌نسب (که در جشنواره قبل، فیلم به اصطلاح الگویی «آن سوی مه» را ارائه کرده بود)، محمدباقر کریمیان (عضو هیئت امنای بنیاد فارابی)، منوچهر محمدی (که در آن روزگار هنوز وارد سینما نشده بود و احتمالا در تلویزیون مشغول به کار بود) و عطا مهاجرانی بودند.

یک بخش خارجی گسترده‌تر

بخش خارجی دوره پنجم جشنواره فیلم فجر، گسترده‌تر از دوره‌های پیشین بود و علاوه‌بر بخش «سینمای دهه هشتاد» و «چشم‌انداز سال‌های دور در سینمای کودکان و نوجوانان»، بخشی تحت عنوان «منظر سینمای سه قاره» با فیلم‌هایی همچون پرچم‌های سامورایی (هیروشی ایناگاکی)، راه (یلماز گونی)، شیخ بوعمامه(بن عمر بخشی) و... و همچنین «نمایش‌های ویژه» با ۲۵ فیلم مثل: قلب (لوییجی کومنچینی)، ۱۹۸۴ (مایکل رادفورد)، روباه خاکستری (فیلیپ بورسوس)، انتخاب اسلحه (آلن کورنو)، بیا و بنگر (الم کلیموف)، تودو مودو (الیو پتری)، آخرین نبرد (بوک بسون)، مرد مرمرین (آندری وایدا) و... برگزار کردند. فیلم‌هایی که اغلب برای اکران عمومی خریداری شده بودند و در سال‌های بعد در سینماها و سپس تلویزیون به نمایش گذاشته شدند.

گفت‌وگو با امیر تاجیک، تهیه کننده و کارگردان برنامه «ساعت به وقت قدس»

فلسطین از نمای نزدیک

بیش از یک سال است که هر هفته پنجشنبه شب‌ها برنامه‌ای با عنوان «ساعت به وقت قدس» در قالب ترکیبی، به مسائل مختلف فلسطین و جبهه مقاومت می‌پردازد. امیر تاجیک، تهیه کننده و کارگردان این برنامه که قبلا سابقه تولید برنامه‌های مختلف تلویزیونی و همچنین مدیریت شبکه مستند سیما را در کارنامه دارد، این بار تلاش کرده تا نمایی نزدیک و متفاوت از سرزمین فلسطین و جنبه‌های مختلف آن ارائه دهد. گفت‌وگوی ما با سازنده برنامه «ساعت به وقت قدس» را می‌خوانید:

برنامه «به وقت قدس» چطور شکل گرفت و روی آنتن رفت؟

ابتدای عرایضم لازم می‌دانم از نقش و جایگاه مجموعه وزین کیهان در پوشش رسانه‌ای اخبار حوزه فلسطین و مقاومت اسلامی تقدیر نمایم. مبارزه با صهیونیست‌ها و جهاد نیروهای مقاومت، بدون حمایت‌های رسانه‌ای و تبیین مواضع برحق مبارزان، نتیجه مطلوب را نخواهد داشت. همین‌جاست که رهبری معظم از اهمیت جهاد تبیین می‌گویند. در این میدان، رسانه‌های حوزه انقلاب من‌جمله کیهان، همپا با مبارزان خط مقدم، به ایفای نقش می‌پردازند که این نشانه تفکر پیشروی خبرنگاران و مدیران آن رسانه محترم است.

موضوع فلسطین و مقاومت اسلامی در سال‌های مختلف به موضوعی مناسبتی در رسانه ملی تبدیل شده بود. اگر حمله‌ای از سوی دژخیمان صهیونیستی به فلسطینیان مظلوم صورت می‌گرفت، و یا در مناسبت‌هایی چون روز جهانی قدس، روز غزه و امثالهم، رسانه ملی به برنامه‌سازی در این حوزه می‌پرداخت که اگرچه لازم اما کافی نبود.

یکی از اقدامات دوره اخیر در رسانه ملی، دوره تحول، تمرکز بر تولید محتوا و برنامه‌سازی در حوزه فلسطین عزیز و مقاومت اسلامی است؛ آن هم نه از نوع مناسبتی، بلکه مداوم و مستمر.

آبان ۱۴۰۱ بود که جلساتی با گروه معارف اسلامی شبکه یک و مدیریت محترم این شبکه در خصوص تولید برنامه‌ای هفتگی با موضوع فلسطین داشتیم. جلسات از دغدغه‌مندی مدیران شبکه برای تولید برنامه‌ای خلاق، جذاب و تبیینی حکایت داشت. قرار بود از مطالبی سخن بگوییم که تاکنون با این عمق در رسانه ملی بدان پرداخته نشده بود؛ مثلا اینکه در سرزمین‌های اشغالی چه اتفاقاتی در جریان است؟ تفکرات صهیونیستی و نژادپرستی این رژیم چه مصادیقی دارد؟ اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی رژیم اشغالگر قدس چگونه است؟ ساختار حکومت صهیونیست‌ها چیست؟ جایگاه به ظاهر مذهبی‌ها و لائیک‌ها در حکمرانی رژیم صهیونیستی کجاست؟ و موارد متعدد دیگر.

از سوی دیگر و در حوزه مقاومت اسلامی، سرداران این حوزه چه کسانی هستند؟ آیا فقط در میدان سردار داریم و یا در پشت جبهه نیز شخصیت‌های برجسته‌ای هستند که هریک در حوزه خود، توانسته‌اند با رژیم کودک‌کش و تفکراتش مقابله کنند؟ قهرمانان ورزشی که از مقابله با نمایندگان ورزشی رژیم صهیونیستی سرباز زده‌اند چه کسانی هستند و داستان‌شان چیست؟ هنرمندان حوزه هنرهای تجسمی، شاعران، خوانندگان انقلابی، نقاشان و نویسندگانی که در جهاد نرم علیه رژیم اسرائیل شرکت کرده‌اند و شهید و جانباز این حوزه شده‌اند، چه کسانی هستند؟ در حوزه فلسطین، آداب و رسوم و زندگی روزمره فلسطینیان چگونه است؟ تاریخ پربار مردم مظلوم فلسطین چه فراز و فرودهایی داشته است؟ گروه‌های مقاومت اسلامی فلسطین کدامند و هریک چه تاریخ و پیشینه‌ای دارند؟

و محتواهای دیگری که همگی می‌توانستند در قالب برنامه‌ای جذاب با تحلیلی به زبان مخاطب امروزی از رسانه ملی در اختیار بینندگان و شنوندگان قرار گیرند. حدود چهار ماهی در خصوص جزئیات برنامه جلسه داشتیم و در نهایت، اولین قسمت از برنامه «ساعت به وقت قدس» همزمان با روز قدس سال جاری از آنتن شبکه یک در اختیار مخاطبان قرار گرفت.

این برنامه از قبل از طوفان‌الاقصی پخش می‌شد، بعد از طوفان چه تغییراتی کرده؟

عملیات غرورآفرین طوفان‌الاقصی نقطه عطف مبارزه فلسطینیان بر ضد رژیم اشغالگر قدس بود. عملا می‌توان تاریخ مبارزات را به قبل و بعد این عملیات تقسیم کرد. بزرگ‌ترین شکست اطلاعاتی و نظامی رژیم اسرائیل در تاریخ جعلی‌اش رقم خورد و همان‌گونه که رهبری معظم انقلاب فرمودند، این شکست جبران‌پذیر نیست. پیش از این عملیات، هر هفته به تبیین مواردی که عرض کردم می‌پرداختیم. تلاش داشتیم تا با چهره‌های مسئول و تحلیلگر شاخص حوزه مقاومت اسلامی گفت‌وگو داشته باشیم، لذا با عمده مسئولان جنبش‌های جهاد اسلامی و حماس و حزب‌الله لبنان گفت‌وگوهای اختصاصی تولید کردیم و گزیده آن را علاوه بر برنامه، در فضای مجازی منتشر می‌کردیم. از اسماعیل هنیه و خالد البطش گرفته تا شیخ نعیم قاسم قائم مقام حزب‌الله لبنان. تمامی این گفت‌وگوها بر این مهم تاکید داشتند که روال جنایات و هتک حرمت‌های رژیم اسرائیل نمی‌تواند همین‌گونه ادامه داشته باشد و حتما پاسخ درخوری از سوی رزمندگان مقاومت اسلامی دریافت خواهد کرد. عملا قابل پیش‌بینی بود که ضربه‌ای مهلک همچون طوفان‌الاقصی به صهیونیست‌های اشغالگر زده شود. از همان روز عملیات، برنامه «ساعت به وقت قدس» از حالت ضبطی به زنده تغییر ماهیت داد. پانزدهم مهرماه بیش از پنج ساعت برنامه زنده با حضور ۱۴ کارشناس در شبکه یک سیما داشتیم. روزهای بعد تا یک هفته، همین روال را ادامه دادیم تا دقیقا مشخص شود حجم شکست نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی چگونه بوده است.

در هفته‌های بعد، اگرچه برنامه مجددا به صورت ضبطی تولید و پخش شد، اما بخش‌های جدیدی به آن اضافه نمودیم که مشخصا بر وقایع غزه و جنایات رژیم کودک‌کش تمرکز داشت. یکی از این بخش‌ها، موضع‌گیری شخصیت‌های بین‌المللی از سیاسیون و هنرمندان تا چهره‌های سرشناس کشورهای مختلف در خصوص جنایات رژیم کودک‌کش بود. مصاحبه‌هایی با کارشناسان حاضر در سرزمین‌های اشغالی، بیت‌المقدس و کرانه باختری به‌صورت اسکایپی تولید کردیم و در اختیار مخاطبان قرار دادیم. در یک جمله اگر بخواهم بگویم، طوفان‌الاقصی محتوای برنامه‌سازی در حوزه فلسطین را دگرگون ساخت.

چه اتفاقات، تجربیات و خاطرات مهمی در این مدت از برنامه داشتید و چه بازتاب‌هایی داشته؟

آشنایی با فعالان حوزه مقاومت اسلامی، با سرداران گمنامی که از روی عقیده به مقابله با زیاده خواهی‌های رژیم کودک‌کش می‌پردازند، هم‌صحبتی با قهرمانان ورزشی که پس از سال‌ها تمرین و ممارست، ناگهان تصمیم می‌گیرند که مقابل نماینده ورزشی رژیم کودک‌کش مبارزه نکنند و این کنار کشیدن به معنای چشم‌پوشی از تمام زحماتی است که آنها را به آن جایگاه رسانده، شنیدن سخنان شخصیت‌های بین‌المللی که علی‌رغم همه تبعات، به مقابله با رژیم صهیونیستی پرداخته‌اند، همگی جزو خاطرات جذاب برنامه‌سازی در حوزه فلسطین و مقاومت اسلامی است. خاطرم است وقتی با آقای خلیل الحیه از رهبران حماس صحبت می‌کردم، گفتند که ۲۱ عضو از اعضای درجه یک خانواده‌اش توسط رژیم صهیونیستی به شهادت رسیده‌اند. خیلی برایم دردناک بود؛ مقاومت و ایستادگی وی را ستودم.

برنامه را با دقت و وسواس زیادی تولید می‌کردیم. بخشی به نام بازخوانی محتواهای فضای مجازی داشتیم که بازخوردهای متعددی داشت. مخاطبانی که پیام می‌فرستادند یا با روابط عمومی رسانه ملی تماس می‌گرفتند، صرفا بر وجود یک برنامه هفتگی در حوزه فلسطین تاکید نداشتند، بیشتر از محتواهای برنامه قدردانی می‌کردند.

ابتدا شخصیت‌ها، مسئولان و نخبگان حوزه فلسطین و مقاومت اسلامی با نگارش نامه‌های جداگانه به رئیس محترم رسانه ملی از تولید این برنامه تقدیر نمودند. سپس نمایندگان مجلس شورای اسلامی با نگارش یک بیانیه و امضاهای متعدد، از تولید و پخش این برنامه تشکر کردند. نامه دختر حضرت امام خمینی(ره) و نمایندگان جنبش جهاد اسلامی فلسطین و مجلس اعلای شیعیان عراق، رئیس کمیته حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین نهاد ریاست جمهوری، دبیر کل کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، رئیس فرهنگسرای رسانه، رئیس مجمع فعالان و سازمانهای مردم نهاد حامی قدس شریف و شخصیت‌های متعدد دیگر همگی از این مهم حکایت داشتند که مسیری که طی می‌شد، صحیح بود. این مدل نامه‌نگاری به رئیس رسانه ملی در خصوص یک برنامه تخصصی هیچ نمونه و سابقه‌ای نداشته است. واقعیت این بود که انگیزه مضاعفی به تیم تولید هم می‌داد. لذا سعی کردیم تا پایان فصل اول برنامه، با همان انرژی و انگیزه زمان شروع، کار را جلو ببریم.

مجری لبنانی چگونه به این برنامه پیوست؟

از ابتدای شروع برنامه، تصمیم داشتم از مجریان بین‌المللی در کنار تحلیلگر ثابت ایرانی برای برنامه استفاده کنم. بیشتر به شم هنری و تلاشم برای تولید متفاوت برنامه‌ها باز می‌گشت. حضور آقای علی خلیلی (مجری فلسطینی) و سرکار خانم زینب جابر (مجری لبنانی) در کنار تحلیل‌های جذاب آقای دکتر محمد شاهدی، تحلیلگر ثابت برنامه باعث جلب توجه مخاطبان شد. پیشتر نیز خانم سوسن الهمه (مجری سوری) و آقای حامد نگارش (مجری ایرانی) در برنامه‌های اول ساعت به وقت قدس همکاری داشتند. اجراهای خانم دکتر زینب جابر را در شبکه‌های عربی دیده بودم. یک بار هم در برنامه زنده خانواده حضور پیدا کردند و به فارسی سخن گفتند. آقای محمدی قائم مقام محترم شبکه یک، پیشنهاد دادند تا با ایشان نیز به‌عنوان یکی از مجریان برنامه گفت‌وگویی داشته باشم. خصوصا اینکه ایشان استاد تاریخ دانشگاه نیز هستند. جلسه‌ای گذاشتیم و در خصوص کلیات برنامه صحبت کردیم. پس از حصول توافق، زمانی را برای آموزش اجرای فارسی به ایشان صرف نمودیم که البته این رویه در خصوص آقای خلیلی هم کمابیش به همین شکل بود. چون برنامه ضبطی بود، امکان سعی و خطا برای مجریان وجود داشت اما زمانی که برنامه همزمان با طوفان‌الاقصی به‌صورت زنده پخش شد، دیدیم که توانمندی این عزیزان در برنامه زنده نیز شگفت‌آور است. شاید دغدغه‌مندی ایشان برای موضوع فلسطین عامل تلاش برای اجرای بهتر بود.

از سوی دیگر از همان ابتدا، تلاش بنده بر این بود تا با استفاده از ابزار هنر و رسانه، حقایق مربوط به فلسطین عزیز و ملت مقاوم آن را برای مخاطبان تبیین نماییم. برای این منظور نیاز به تیم سردبیری قوی و آشنا با این حوزه داشتیم که این مهم، با دعوت از فعالان این حوزه شامل دکتر حسین رویوران، دکتر مرتضی شمسی، دکتر سیدمجتبی ابطحی، دکتر احمدرضا روح‌الله زاد و آقایان ابوشریف (نماینده جنبش جهاد اسلامی) و القدومی (نماینده جنبش حماس) انجام شد.

محمدامین نجفیان

کار رسانه‌ای درباره فلسطین و جبهه مقاومت باید دارای چه شاخص‌ها و بایسته‌هایی باشد تا تأثیرگذاری افزایش یابد؟

یکی از ویژگی‌های مهم باید تعاملی بودن تولیدات باشد. اما این عبارت تعاملی که سال‌هاست در حوزه رسانه مطرح است، صرفا به گفت‌وگو و تعامل نظر یک رسانه با مخاطبان محدود نمی‌شود. ما در برنامه «ساعت به وقت قدس»، از تولیدات مخاطبان استفاده می‌کردیم، مخاطبان بین‌المللی و داخلی، بازخوردها به این تولیدات را در برنامه منعکس می‌کردیم و همزمان در شبکه‌های اجتماعی برنامه، آنها را بازنشر می‌کردیم.

کار رسانه‌ای درباره فلسطین باید ویژگی‌های مختلفی داشته باشد تا بتواند بر مخاطبان تاثیر کافی و لازم را بگذارد. اول باید تعاملی به معنایِ کلمه باشد. دوم باید با زبان ساده و امروزی برای مخاطب نسل جوان تبیین شود و سوم باید تداوم داشته باشد. کارهای موردی و مقطعی اگرچه لازم هستند اما کافی نیستند. در حوزه فلسطین با گستره زیادی از افراد و شخصیتها و هنرمندان در کشورهای مختلف مواجه هستیم. اصولا فلسطین، امروز شاخص حق و باطل است و به همین دلیل حتی گروه‌های غیرمذهبی و لائیک هم در حمایت از قضیه فلسطین در کشورهای مختلف به خیابان می‌آیند. مگر می‌شود کودک‌کشی رژیم صهیونیستی را در غزه دید و سکوت کرد؟ مگر امکان دارد که نسل‌کشی هدفمند ملت فلسطین را شاهد بود و هیچ نگفت؟ الحمدلله جبهه مقاومت که امروز دیگر به منطقه نیز محدود نمی‌شود، در حوزه رسانه‌ای پس از عملیات طوفان‌الاقصی عملکرد قابل تقدیری داشته و ماحصل آن جمعیت‌های میلیونی در کشورهای مختلف جهان است که به خیابانها می‌آیند، نسل‌کشی صهیونیست‌ها در غزه را محکوم کرده و پرچم فلسطین عزیز را به اهتزاز در می‌آورند.

موضوع فلسطین و مقاومت از ابعاد مختلفی مهم و مورد توجه است و لذا رسانه‌ها باید با توجه به همه این ابعاد تحولات این حوزه مورد رصد خود قرار دهند. اول آنکه بدانند فلسطین و تحولات جاری و مرتبط با آن مهم‌ترین مسئله جوامع اسلامی در گام نخست و جوامع جهانی است لذا باید با توجه به اهمیت مسئله به آن بپردازند و اجازه ندهند که موج‌آفرینی رسانه‌های صهیونیستی در حوزه‌های دیگر فلسطین و مقاومت را تحت تاثیر قرار دهد و آن را در رده خبرهای رده چندم قرار دهد. دیگر آنکه روایتگری این حوزه را در اختیار رسانه‌های صهیونیستی و استکباری قرار ندهند و تلاش کنند تا روایات مبتنی بر واقعیت و حقایق این حوزه را در زمان موثر یعنی روایت اول منعکس سازند و البته تنها به روایت اول نیز بسنده نکنند و با ارائه گزارش‌های مستمر و البته حرفه‌ای که مخاطب را همراه ساخته و در ذهن و فکر وی موثر افتد، اجازه ندهد تا روایت‌های جریان صهیونیسم جهانی وی را با خود همراه سازد. جریان صهیونیسم جهانی تلاش کرده تا با ایجاد سوالات و شبهات مختلف در افکار عمومی تردیدها و ابهاماتی را در باره حقیقت فلسطین و مقاومت و تحولات آن ایجاد کند. لذا در روایت داستان حوزه فلسطین و مقاومت باید به این سوالات و شبهات که فتنه‌انگیزی را دنبال می‌کنند مورد توجه قرار داد و مستمرا به روشنگری در این حوزه پرداخت. در حال حاضر پس از عملیات طوفان‌الاقصی و جنگ پس از آن و ورود بازیگران متعدد به آن که احتمال گسترش آن را قوت بخشیده است و به موازات آن جنگ روایات هم شکل گرفته است و تلاش می‌شود تا فلسطینیان و محور مقاومت را در این درگیری و گسترش احتمالی آن گناهکار نشان دهند، باید به مقابله با آن پرداخت و اجازه غلبه روایات مدیریت شده فریبکارانه را بر افکار عمومی نداد.بازیگران تحولات این حوزه نقش‌های متفاوتی را بر عهده دارند برخی مانند ترکیه، اردن، عربستان و مصر نقش منافقانه‌ای را ایفا می‌کنند و لذا باید این نفاق را با ارائه شاخصه‌هایی مستمرا مورد توجه قرار داد. توجه دادن امت به تکلیف خود در قبال فلسطین وتحولات منطقه یکی از مهم‌ترین وظایفی است که رسانه‌ها باید خود را در این حوزه فعال سازند.

با توجه به اینکه جنابعالی از مدیران سابق صداوسیما بوده‌اید و الان هم برنامه‌ساز فعال هستید، نظرتان درباره طرح تحول رسانه ملی چیست و این طرح در کجا قرار دارد و چه راهی را باید طی کند؟

طرح تحول در رسانه ملی یک انتخاب نبود، یک ضرورت بود. اداره سازمان رسانه ملی با شکل سنتی و در قالب یک سازمان اداری (و نه رسانه‌ای) دیگر میسر نبود چراکه تاثیرگذاری لازم را بر مخاطبان نداشت. عمده مدیران بر تمدید شرایط قبلی تمرکز می‌کنند و این مخالف و مقابل تفکر انقلاب اسلامی است. تحول در رسانه ملی می‌تواند به بهبود جایگاه رسانه‌ای انقلاب اسلامی در جهان نیز منجر شود اما این اتفاق یک شبه رخ نمی‌دهد. گامهای موثر و مناسبی در حوزه تحول در رسانه ملی برداشته شده است و این رویه علی‌رغم همه محدودیت‌ها و پیچیدگی‌ها و فشارهایی که به دست‌اندرکاران برای تغییر رویه‌های سنتی وارد می‌شود، ادامه خواهد یافت. نظام اسلامی ایران یک رسانه اصلی دارد که باید از طریق آن پیام خود را به مخاطبان داخلی، و پیام انقلاب را به مخاطبان بین‌المللی مخابره کند. همه باید کمک کنیم تا طرح تحول به اهدافی که بر آن مبنا نگارش یافته دست یابد. از بنده که برنامه‌سازی می‌کنم تا عزیزانی که در حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری نقش دارند. همگی جزئی از یک کل هستیم و همگی سربازان فرهنگی نظام اسلامی ایران.

نگاهی به فیلم «صدای آزادی»

ردپای موذی متجاوزین

فاطمه قاسم‌آبادی

سال‌های اخیر و در کشورهای غربی، مسئله توجه به سوءاستفاده‌های جنسی در رسانه‌ها، به شدت پررنگ شده است و این قضیه با بهانه‌های مختلف، به عنوان موضوع داغ روز، وارد ساخته‌های هالیوودی هم شده است.

تقریبا از ۷ سال پیش و از زمان شعله‌ور شدن جنبش «من هم»، توجه رسانه‌های دنیا به این تیپ مسائل بیشتر از قبل شد و انواع انحرافات جنسی که طی دهه‌ها قربانیان زیادی گرفته بود، روی میز برنامه‌سازان قرار گرفت.

در بین این انحرافات، معضل پدوفیل‌ها (آزارگران جنسی کودکان) جزو دسته‌ای بود که معمولا از دور به آن پرداخت می‌شد و به خاطر ناگوار بودن این مطالب برای مخاطبین عام، در بیشتر ساخته‌ها اعم از فیلم و سریال، تنها در حد اشاراتی بیان می‌شد و به هیچ وجه بیشتر از اشاره به آن پرداخت نمی‌شد ولی در سال‌های اخیر روی این موضوع که در حال حاضر، به شکل نوعی بحران در غرب درآمده است، مانورهای زیادی داده شده و در ساخته‌های جدید، این موضوع از نزدیک‌تر نشان داده می‌شود.

فیلم «صدای آزادی» ساخته «آلخاندرو مونته برده» محصول سال ۲۰۲۳ آمریکاست. داستان این فیلم با الهام از واقعیت، در مورد زندگی یک مامور سازمان سیا و پیدا کردن شبکه قاچاق کودکان در کلمبیا است.

داستان کودکان گمشده

داستان فیلم «صدای آزادی»، از جایی شروع می‌شود که دخترچه کلمبیایی که در خانواده فقیری زندگی می‌کند، در اتاقش مشغول آواز خواندن است که زنگ در خانه به صدا درمی‌آید. یک زن با عنوان استعدادیاب، که به دنبال مدل‌های کودک زیباست، وارد خانه می‌شود و به پدر خانواده پیشنهاد می‌دهد که دو فرزند پسر و دخترش را برای مسابقه‌ای که می‌تواند زندگی‌شان را از این‌رو به آن‌رو کند، فردای آن روز، به آدرسی ببرد...

وقتی فردا می‌رسد، پدر بچه‌ها را به سر قرار می‌برد ولی زن به او می‌گوید که نمی‌تواند با بچه‌ها وارد استودیو شود و دو ساعت بعد که عکاسی‌ها تمام شد، برای پس‌گرفتن بچه‌ها به همین آدرس بیاید. پدر می‌رود و دو ساعت بعد که می‌آید، دیگر خبری از بچه‌ها و زن موردنظر نیست....

از طرف دیگر ماجرا «تیم بالارد» مامور سازمان سیا در آمریکا (با بازی جیم کاویزل) درپی به دام انداختن پدوفیل‌هاست که در نهایت به پسربچه‌ای کلمبیایی می‌رسد. او از طریق صحبت‌های پسربچه و دیگر مجرمان پرونده‌اش می‌فهمد که باندهای بزرگی برای قاچاق کودکان در این کشور وجود دارد... بالارد که خودش هفت فرزند دارد، احساس می‌کند که به هر قیمتی باید در این ماموریت شرکت کند و به همین منظور به کلمبیا می‌رود.

او در آنجا به کمک تعدادی واسطه و نقشه‌ای دقیق، موفق می‌شود باند مخوف قاچاق کودکان را به دام بیندازد.

جهان برای نجات به ما نیاز دارد

در فیلم «صدای آزادی»، دیگر خبری از موضوع آزار جنسی زنان نیست و حتی نوجوانان هم مورد بحث نیستند، این فیلم به درجات ترسناک‌تری ورود می‌کند که قاچاق کودکان بسیار کوچک است.

با توجه به سابقه چنین فیلم‌هایی، صدای آزادی هم از کلیشه‌ها دور نشده و مانند دیگر آثار قهرمان‌پردازانه آمریکایی،